

ودعه ناعه سالگرد فاجعه سینمارکس آبادان

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ - بهاء ۱۰ اریال

به مناسبت سالگرد فاجعه

سینمارکس آبادان



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مصاحبه‌ای با بازماندگان شهدای سینمارکس آبادان

مسی را که ملاحظه میکنند مصاحبه‌ای است که
هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
آبادان بنا بر تاریخ ۵۹/۴/۲۴ با بازماندگان شهدای

بقیه در صفحه ۷

مردم ایران پشتیبان خانواده شهدای آتش سوزی سینمارکس و خواهان افشای کامل همه دست اندرکاران این جنایت هولناک می باشند

دومین سالگرد بزرگداشت خاطره شهدای سینما
رکس آبادان فرا میرسد، بدون آنکه پس از گذشت بیش
از یکسال ونیم از عمر جمهوری اسلامی، عاملان واقعی
این فاجعه دلخراش در پینگاه مردم افشا شده و بسزای
اعمال جنایتکارانه خود برسند. اکنون میتوان گفت
که کمتر کسی است که نداند محافل معینی در درون
هیئت حاکمه هستند که از افشای اسامی عاملین این
جنایت وحشت دارند. درست از همین رو بوده است که از
بقیه در صفحه ۲

افشاگری بازماندگان شهدا در حضور عده‌ای از مردم مبارز آبادان بتاریخ ۵۹/۲/۲۷ و ۵۹/۳/۳

هما بطور که در متن مصاحبه با بازماندگان شهدا
ملاحظه می کنید به نوار افشاگران بازماندگان اشاره
شده است متن پیاده شده نوار افشاگریهای بازماندگان
بدست ما هم رسیده که ما اینجا قسمیهای آنرا عینا
نقل می کنیم:

"سنا خدا و بیاد شهدای سینمارکس آبادان"
"همسهران مبارز هما بطور که قبلا برشمرده
حسین تکبلی زاده که هم اکنون در زندان است به همراه
چند نفر از دوستانش که در جریان آتش سوزی سوختند،

بقیه در صفحه ۴

بفیه از صفحه ۱ مردم ...

آغاز تحمن با زمانندگان شهیدان این فاجعه، توطئه های فراوان و متنوعی در جهت پراکندن و به شکست کشاندن این تحمن تاریخی (که نزدیک به سه ماه بطول انجامیده) بجریان افتاده است، سکوت طولانی هیئت حاکمه در مقابل این جنایت و جلوگیری از افتنا و محاکمه علنی عاملین آن، اعزام دسته های چماق دار بقصد رساندن متحصنین و سرانجام لشکرکشی سپاه پاسداران به محل تحمن و بیرون راندن آنها از یکطرف و دروغ پراکنی های پایان ناپذیر مقامات محلی و مملکتی بقصد فریفتن افکار عمومی از طرف دیگر، از جمله این اقدامات است که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت تاریخی صورت گرفته است.

لکن علیرغم اینها، مبارزه خانوادگی شهیدان که از پشتیبانی بی دریغ مردم آگاه آبادان و حمایت فعال نیروهای انقلابی برخوردارند، ادامه داشته و بی تردید تا حصول نتیجه قطعی ادامه خواهد داشت.

در اینجا با بررسی اجمالی آنچه که طی نزدیک به چهار ماه تحمن با زمانندگان گذشته، کوشش شده است کامی در جهت کشف حقایق برداشته شود.



با زمانندگان شهدای فاجعه سینما رکس، از روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ با صدور نخستین اطلاعیه خود اعلام داشتند که بمدت ۳ شبانه روز در محل اداره رایش آبادان دست به تحمن خواهند زد و متذکر شدند که چنانچه به خواسته های ایشان رسیدگی نشود، تحمن خود را تا رسیدن به نتیجه قطعی ادامه خواهند داد. خواسته های متحصنین عبارت بودند از:

۱ - اعزام بازپرس ویژه برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس آبادان و تشکیل هر چه سریعتر دادگاه علنی.

۲ - اعلام خواسته های با زمانندگان از راه دیووتلوویزیون سراسری.

۳ - طرح خواسته های با زمانندگان در حضور بازپرس ویژه و پخش آن از راه دیووتلوویزیون سراسری.

بدنبال صدور این اطلاعیه و تحمن با زمانندگان در محل اداره رایش، توطئه ها و تحریکات عناصر معلوم الحال برای برهم زدن این تحمن عادلانه، آغاز شد. محافل معینی که خود در آتش زدن جنایتکارانه سینما رکس دست داشتند، اکنون خطر را احساس میکردند و لذا دسته های چماق دارشان را برای برهم زدن تحمن به

سرعت با زمان داده و وارد کارزار نمودند.

درست دو روز بعد از آغاز تحمن، آقای آذری قمی با زمانندگان را به لقب رایج "فدا انقلاب" مفتخر نمود! اگرچه وی روز بعدنا چارشد این اتهام را تکذیب کند، لکن اقدامات عملی وی در روزهای بعد، جبهه گیری را در مقابل متحصنین نشان داد. ما جرابدین ترتیب بود که روز ۵۹/۲/۱ ما مورین شهر بانی که حفاظت از محل تحمن را بعهده داشتند، بطور ناگهانی محل را ترک کردند. وقتی متحصنین علت این حرکت مشکوک را از طریق مسئولان شهر بانی پیگیری کردند، دریا فتند که این کار بدستور مستقیم آقای آذری قمی صورت گرفته است تا حمله چماق داران به اجتماع با زمانندگان با مانعی مواجه نشود! لکن علیرغم این توطئه ها، تحمن همچنان ادامه داشت و با زمانندگان طی تلکرامهای متعددی به مسئولان مملکتی و تمامی جراید کثیرالانتشار، خواهان رسیدگی به پرونده آتش سوزی می شدند.

اینکه نه تنها طی چهارده ماه (از بهمن ۵۷ تا آخر فروردین ۵۹) از حکومت جمهوری اسلامی، هیچگونه اقدامی در جهت روشن ساختن علل این فاجعه در دادگاه و شناسایی عاملین جنایتکار آن صورت نمیگرفت، بلکه مقامات محلی حتی تمامی سراسر بود که تحمن را برهم بزنند، با زمانندگان را بداس فکسر که دستهای نیرومندی در درون هیئت حاکمه ماع از افشای این جنایت است، سوق میداد.

سرانجام هیئت حاکمه پس از ۱۵ ماه سکوت و سپری شدن ۱۲ روز از تحمن با زمانندگان هیئتی را با صلاح برای بررسی پرونده به آبادان اعزام نمود. لکن همانطور که پیش بینی میشد این هیئت نه برای روشن ساختن امر که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت ما موریت داشت. هیئت با صلاح بررسی کار خود را در پشت درهای بسته و بدون کوچکترین تماس با خانواده شهدا بپایان رساند! این اقدام بدرستی مورد اعتراض متحصنین واقع شد. بطوریکه اطلاعیه شماره ۷ با زمانندگان مورخ ۵۹/۲/۹ ترس هیئت حاکمه را از محاکمه علنی و افشای عاملین فاجعه را گوشزد نمود. در این میان دوشن از بازاریان سرشناس آبادان بنا مهای حاج خرمی و حاج ابراهیمی با نواع کوششها دست میزنند تا مانع افشای این جنایت شوند. جبهه گیری آنها در مقابل متحصنین واقدماتشان چه در مورد آزار کردن برخی از افرادی که با آنها شرکت در آتش سوزی دستگیر شده

همچنان بی‌فایده و بی‌اثر شیمی ماند. بازماندگان شهدا برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس از آقای شیخ علی‌نوری می‌خواهند که بررسی و قضاوت در مورد این پرونده را بعهده بگیرد. ولی علیرغم موافقت آقای نوری، به علت کارشناسی دادستانی وقت (ها دوی) این امر میسر نمی‌شود. هیئت حاکمه همچنان تمامی کوشش خود را بکار میبرد تا مبادا عاملین اصلی این فاجعه شناخته شوند.

اکنون که دو سال از این فاجعه در دنیا می‌گذرد، و چند روزی بیشتر به سالگرد این جنایت هولناک و



مطرح شدن محدود آن نمانده است. هیئت حاکمه بدست و با افساد و از یکطرف و انمود می‌کنند که با صلاح در حال بررسی پرونده و شناختن عاملین فاجعه است و از طرف دیگر بر علیه متحصنین لشکرکشی می‌کند. در نخستین ساعت روز سبت ۵۹/۵/۱۱ حدود ۲۰۰ نفر از ساداتان مسلح به اجتماع بازماندگان یورش برده و بطرز خونریزی متحصنین را از محل اداره دارائی بیرون می‌رانند. زمینه این حمله از روز قبل در نماز جمعه توسط حجت الاسلام جمی امام جمعه آبادان فراهم شده و بوسیله اطلاعیه فرمانداری آبادان مسجل گشته بود. نکته‌ای که می‌بایست بدان توجه داشت، اینست که طبق بررسی‌های گاه‌زطرف خودبا زماندگان صورت گرفته، خود این آقای جمی، امام جمعه از دست‌اندر کاران آتش‌سوزی سینما رکس بوده است و لذا تحریکات ایشان تنها می‌تواند دلیل دیگری بر تائید این امر باشد. بهر رو هم اکنون بعد از مدت‌ها تحمل سختی و فشار، تحت ردیانه‌ترین توطئه چینی‌ها، مقامات بازماندگان همچنان ادامه داده و در جناحیتکاران نخواهند توانست چهره‌گریه خود را بیش از این پنهان کنند ■

بودند و چه در مورد سنگ اندازی و کارشناسی در مقابل تشکیل دادگاه علنی شرکت این دو تن را در این جنایت و یا حداقل همدردیشان را با جنایتکاران بوضوح نشان داد.

تحصن، در میان جوی از توطئه، تحریک و دروغ - پراکنی هیئت حاکمه علیه بازماندگان از یکطرف و حمایت بیدریغ مردم و نیروهای انقلابی از طرف دیگر همچنان ادامه پیدا می‌کند. طی این مدت هیئت حاکمه می‌کوشد تا فاجعه سینما رکس را در وجود تنها یک فرد بنام حسین تکبعلی زاده، که به همراه سه تن دیگر سینما رکس را به آتش کشیده‌اند (این سه تن خود نیز در آتش سوختند) خلاصه کند، ولی بازماندگان که بخوبی دستهای نیرو - مندی را در پشت سر تکبعلی زاده حس می‌کنند، خواهان افشا و محاکمه کلیه افرادی هستند که تکبعلی زاده یکی از آنها و عامل مستقیم آتش زدن سینما بوده است. غالباً اینکه شخص اخیر خود با رها خواسته است که همه حقایق و از جمله اسامی عوامل پشت پرده این فاجعه را در یک دادگاه علنی در اختیار عموم ملت قرار دهد. لکن مسئولان مملکتی از ترس افشاشدن توطئه‌گران و طراحان اصلی فاجعه، نه تنها با تشکیل چنین دادگاهی شدت مخالفت بلکه مانع از آن میشوند که حسین تکبعلی زاده با هیچ فردی ملاقات نماید! سخنرانی - هائی که در مساجد یا دیووتلوویزیون آبادان میشود سخوبی بی‌انگیزه اس رژیم زافسای چهره‌جاسکاران است. یعموان نمونه آقای کرامی یکی از وعاظ شهر در یک سخنرانی در حسینیه اصفهانیها که در تاریخ ۵۹/۳/۹ ایراد کرد، آشکارا به مخالفت با تشکیل دادگاه علنی پرداخت.

سوازا با استقامت و پایداری بازماندگان در تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان، توطئه‌گران جنایتکار نیز به مدت حملات خود می‌آمیزند تا با بدبزرگ‌مافی (واکر لازم شد بضر کلوله) متحصنین را به عقب نشینی و دست‌شستن از مقامت و ادارت نمایند. روزهای پنجشنبه ۲۲ جمعه ۵۹/۳/۲۲ دسته‌های چماقدار "حزب الهی" بعمد سرکوب بازماندگان به محل تحصن هجوم می‌برند لکن عزم متحصنین را سخ‌ترازان بود که با یورش مشت‌افشای خود را خالی نمایند، متحصنین در اطلاعیه کرده و خشم و نفرت مردم مبارزان آبادان را از دست‌های چماقدار برمی‌انگیزند.

تلگرافها و نامه‌های متعددی که از جانب بازماندگان به مراجع مختلف مملکتی ارسال میشود،

بقیه از صفحه ۱ الفشگری...

سینما را به آتش کشیدند. ما در پشت اجرای این طرح توسط چند نفر مذکور، یک جریان را میبینیم و معتقدیم که دادگاه علنی میبایست افشاکننده ارتباط این چند نفر با جریان پشت پرده ای که طراح آتش سوزی سینما رکس بوده است باشد. اکنون هیئت حاکمه و انمودمی کند که طراحان و مجریان این جنایت فجیع چهار نفر جوان بیگانه بودند که خود سرانهدست به این عمل زده اند مسئولین دولتی برای خاموش کردن ما گفتند از نظر دولت دستگاه قضایی مملکت این پرونده بسته شده است و ما برای شما حسین تکبعلی زاده را اعدام می کنیم. (این گفته آقای صباغیان باز پرس پرونده است که در تیرماه ۱۳۵۸ و در حضور جمعی از با زماندگان و آقای زرگر دادستان انقلاب اسلامی آبادان در دادگستری آبادان گفته است) هم اکنون که ما با زماندگان به آخرین راه چاره رسیده ایم و حدود ۲۷ روز است که دست به سخن زده ایم و تصمیم داریم تا تشکیل دادگاه علنی به تعصن خود ادا می دهیم. هم اکنون که بعد از ۲۷ روز تعصن با زهم مسئولین مملکتی روش توطئه آمیز سکوت و بی تفاوتی را در مقابل ما پیش گرفته اند و به هیچ عنوان زیر بار درخواست های بر حق ما که همان تشکیل دادگاه علنی و محاکمه و مجازات شما می دانند کار را نوطراحان این فاجعه سیاسی نمی روند و حاضر به استی این فاجعه نیستند، ما خود دست به استی مفادیری از اطلاعاتی که در رابطه با این فاجعه داریم خواهیم زد و تمام مردم شریف رانا حدودی در جریان خواهیم گذاشت.

با زماندگان نهادهای سینما رکس افشاگرهای خود را با استناد به نامه مکتوبه از جیب تکبعلی زاده چنین آغاز میکنند: حسین تکبعلی زاده با پیروزی انقلاب و ضمن شکسته شدن در زندانها فرا کرده و بلافاصله به اصفهان می رود و اینبار فصد ملاقات با "آیت الله ظاهری" در اصفهان را داشته است. اینجا این سؤال پیش می آید که چه رابطه ای بین او و بعنوان یکی از عاملین آتش سوزی و آیت الله ظاهری وجود دارد؟ اما حسین موفق به دیدار ظاهری نشده و از آنجا به تهران و سپس به آبادان بر میگردد و مسیما پیش آقای "رسیدیان" و آقای "کیاوش" می روند. ما سؤال می کنیم چه ارتباطی می تواند بین حسین تکبعلی زاده و این دو نفر وجود داشته باشد؟ چرا بین دو نفر تکبعلی زاده را دستگیر نمی کنند و آیا لازم نبود که او را به مردم

معرفی کرده و با مردم و بخصوص با زماندگان رادر جریان می گذاشتند؟ چه دلایلی وجود داشت که این آقایان در این مدت سکوت نمایند؟ با زماندگان شهدا سپس نامه ای را که حسین تکبعلی زاده به مجله جوانان نوشته می خوانند و این نامه را در اعتراض به چاپ عکس بعنوان عامل آتش سوزی در آن مجله نوشته است. نامه مذکور بعد از دستگیری تکبعلی زاده توسط بازماندگان از جیب او کشف شده است. با زماندگان شهدا اظهار میدارند که تکبعلی زاده در پایان نامه اش چنین مینویسد:

"با بد در آذربایجان کنم که من با پیروزی اولیه انقلاب اسلامی من قصد رفتن به فلسطین را داشتم که متاسفانه با این کار جالب و ماجراجویانه شما (چاپ عکس در مجله جوانان - پیکار) می بایست مدتی انتظار بکشم."

ما سؤال میکنیم چه کسانی مقدمات رفتن تکبعلی زاده را به فلسطین فراهم کرده اند که این چنین او از رفتن به فلسطین دم میزند. حسین بعد از پیروزی انقلاب بیدار را ما به تهران می رود اما موفق نشده و خود را به کمیته انقلاب آبادان معرفی می کند که از آنجا به تهران به حضور آقای "هاشم صباغیان" در کاخ نخست وزیری فرستاده می شود آقای صباغیان به او میگوید: "فعلا بروید تا بعد از حصارت کنیم" (طبق گفته خودش). ما سؤال میکنیم: چرا آقای صباغیان عامل کشتار آتش سوزی سینما رکس را آزاد میکند؟ آیا در کاخ نخست وزیری میان این دو چه چیزی رد و بدل شده که منجر به آزادی حسین از طرف هاشم صباغیان می گردد و صباغیان این چنین راحت شخصی را که متهم به آتش سوزی سینما رکس و شهادت بیش از ۱۰۰۰ نفر می باشد بدون اینکه ما با زماندگان و بطور کلی مردم ایران رادر جریان بگذارند آزاد میکند.

با زماندگان شهدا پس از خواندن یک تلگراف و یک نامه از تکبعلی زاده به هاشم صباغیان چنین ادا می میدهند. بعد از طی این مراحل حسین تکبعلی زاده نامه ای به قم به دفتر امام خمینی می نویسد (این نامه پیش ما موجود است). قسمتهایی از این نامه را می آوریم که خود کوبای حقایق سر بسته ای در مورد فاجعه سینما رکس و طراحان آن می باشد:

بسم الله قاصم الجبارین

"من حسین تکبعلی زاده یکی از فرزندان جانباز اسلام که بیگناه و طبق یک توطئه حساب شده در معرض

دستگیر کنید؟ ۲۸ ماهه صفر سال گذشته یکی از مسادران با زمانده بعنوان اعتراض به مجازات نشدن عاملین فاجعه، بمنزل آقای جمی مراجعه می کند، آقای جمی در جواب این مادر که خواستار محاکمه علنی و پخش آن از تلویزیون است می گوید:

"ما این کار را نمی کنیم، حسین را بیاوریم پشت تلویزیون که چی بشود که دروغ بگوید؟"

آقای جمی چه ترسی از محاکمه علنی حسین تکبعلی - زاده و کفنه های وی دارد؟ حسین تکبعلی زاده مصراتا کدی می کند در صورتی حضرات همه حقایق را بگوید



که دادگاهش علنی و از رادیو تلویزیون سراسری پخش شود.

مادران با من سندی را ارائه می دهم که نشان دهنده مراجعه تکبعلی زاده نزد عواملی در قم میباشد که آنان برای حسن سفارش می کنند.

"قم - تهران

حما بیان امام خمینی گارا ژفر حرام
آقای "اسماعیل آقا" حامل نامه
حسن آقا را به محمد تقی معرفتی
نماید.

ما سوال میکنیم این چه جریان و اشخاصی در قم هستند که این چنین دست به حمایت از حسین تکبعلی - زاده که بعنوان عامل اصلی فاجعه سینما رکس معرفی گردیده، زده اند؟

هما بطور که در اطلاعیه شماره ۳ خود عنوان کرده ام وقتی برای درخواست نوار فیلم مربوط به محاکمه

اشها آدم سوزی سینما رکس آبادان قرار گرفته ام و عکس را هم در مجله جوانان چاپ کرده اند... و اینک که بخواست پروردگار بلند مرتبه و قیام تمام اقشار ملت طاغوت نابود شده و اسلام چهره پیروز مند و عدالت پرور خود را نشان داده است. (به این قسمت خیلی توجه کنید - با زماندگان شهدا) من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با تغییر رژیم خود کا مه محمد رضا سی به جمهوری رهایی بخش اسلامی ساواکی معرفی شده ام ما سوال میکنیم چه کسانی حسین را ساواکی معرفی کرده اند؟ ساواک که خود اینکار را نمی کند (و خود را عامل چنین جنایتی معرفی نمیکند) حسین تکبعلی زاده از چه کسانی گله مند و ناراحت است که می گوید "من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با... ساواکی معرفی شده ام؟"

باز سوال ما از مسئولین مملکتی شورای انقلاب رئیس جمهور و بطور کلی هیئت حاکمه اینست که آیا روحانیت مبارز که به قول تکبعلی زاده ما موریت چندش آور آتش زدن سینما رکس و قتل عام بیش از ۱۰۰۰ نفر انسان بیگناه را به وی و دوستانش واگذار کرده بودند چه کسانی هستند؟ در قسمت دیگر نامه تکبعلی زاده به دفتر ما آمده است:

"اینک با این وضعی که برایم پیش آمده نمیتوانم برای امرار معاش خود و خانواده ام اقدام به کار کردن کنم و نه می توانم (توجه کنید) در جلسات شمر بخش روشنگرانه آیات عظام و برادران سخنور حاضر شوم. از آن رهبران که هوی و پدیر مهربان دلسوز تقاضا دارم که ترتیبی دهید که هر چه زود تر به کارم رسیدگی شود." در زیر نامه حسین مثنی نوشته شده است که از این فرار است:

بسمه تعالی

"آقای حسن تکبعلی زاده در باره مطالب فوق به خدمت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای جمی که از روحانیون مبارز و متعهد و مسئول آبادان است مراجعه کنید و مطمئن باشید در پیشگاه عدل الهی در صورت آلوده نبودن به این گناه نجات خواهد یافت."

به شنبه ۱/۳/۵۹

دقیقا یکسال از ارسال این نامه و معرفی تکبعلی زاده به آقای حجت الاسلام جمی میگذرد، آقای جمی چرا آن زمان سکوت کردید؟ لازم نبود حسین را

"رزمی جلاد" و "گریمی" که در زمان شاه بعد از فاجعه انجام گرفته بود به رادیو تلویزیون مراجعه کردیم مسئولین جواب دادند که نوار در آرشیو موجود نیست و آقای قطب زاده آنرا به تهران برده است.

سوال می‌کنیم آقای قطب زاده چرا به این عمل دست زده است و چه تری از افشای این فاجعه دارد؟ قطب زاده انگیزه‌اش از بردن نوارها به شیوه دزدانچه بوده است؟

مردم آبادان بیاد دارند که در زمان فاجعه عنوان شده بود که آتش سوزی سینما کارگروهی است که در فلسطین فعالیت دارند حال با توجه به ارتباط نزدیک حسین تکبعلی زاده با هاشم صباغیان و همچنین بردن نوار فیلم مربوط به ماما حبه بعد از فاجعه توسط قطب زاده (که دلیلش ترس وی از افشای این فاجعه می‌باشد) و با در نظر گرفتن اینکه صباغیان و قطب زاده در ارتباط با سازمان امل بوده‌اند و عملکرد سازمان امل در رابطه با مبارزات مردم فلسطین نه تنها در خدمت آرمانهای مردم ستمدیده و آواره فلسطین نبوده بلکه با عملکردهای مشکوک خود ضرباتی به مبارزات مردم فلسطین وارد نموده و با شیوه‌های توطئه آمیز و ناسوا جوانمردانه عملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بوده است آیا می‌توان سوال کرد: نقش سازمان امل در رابطه با فاجعه سینما رکس چه می‌باشد؟

ما طی تحقیقاتمان در رابطه با فاجعه سینما رکس به نامی اشخاص بسیاری که در رابطه با سازمان امل بوده‌اند برخورد کرده‌ایم که از کثرت نام این افراد تا تحقیقات کافی خودداری می‌کنیم. هیئت حاکمه باید جواب دهد سازمان امل بخصوص در خوزستان دارای چه نوع فعالیتهایی بوده است و چه اشخاصی در رابطه با این سازمان فرار گرفته‌اند؟

"فرج بزرگوار" یکی از عاملین فاجعه که سوخته است در بازار جمشید آباد مغازه رادیوسازی داشته. درست یک هفته بعد از فاجعه سینما رکس بازار جمشید آباد آتش می‌زنند و به گفته شاهدان عینی آتش سوزی در بازار جمشید آباد از محوطه مغازه فرج بزرگوار شروع می‌شود؟ آیا احتمال این نیست که این آتش سوزی به قصد از بین بردن مغازه فرج بوده تا اگر اسنادی در مغازه مخفی شده و بیابانکار ارتباطی می‌باشد، تا نبود کرد؟ ضمناً شایع است به گفته شاهدان عینی آقای "حاج خرمی" قبل از فاجعه سینما در بازار جمشید آباد

رفت و آمدهای زیادی داشته است. و همانطور که بارها گفته‌ایم در گذشته هیئت‌هایی که برای بررسی پرونده فاجعه سینما رکس به آبادان می‌آمدند توسط حاجی خرمی و "حاجی دوانی" پذیرائی می‌شدند. طبق اسنادی که در دست داریم "حاج خرمی" در هنگام قیام هم با عوامل رژیم پهلوی و هم با عوامل رژیم فعلی همکاری می‌کرده است. او عضو کمیون به اصطلاح امنیست اجتماعی در زمان رژیم منفور گذشته بوده است.

در پایان ما با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان، متحصن در اداره، دارای یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که تا افشای کامل این جنایت و تشکیل دادگاه علنی و محاکمه علنی عاملین دست‌از مبارزه و بیبگیری خود نخواهیم کشید. و در این راه تا آخرس قطره خون خود مبارزه خواهیم کرد. هرگونه حادثه‌ای که در جریان تحسن برای ما با زماندگان پیش بیاید عهده هیئت حاکمه است چرا که مسلمانان آن از طرف عوامل و جریانی چیده شده که در فاجعه دست داشته‌اند و خود را در خطر افشای شدن می‌بینند.

ما مردم قهرمان آبادان و ایران را به پشتیبانی از خواسته‌های بحق خود دعوت می‌نمائیم. افشا و مجازات عاملین این فاجعه بزرگ در رابطه با سرنوشت تمام ملت ایران می‌باشد زیرا زمانی که این چنین جانمایی آزادانه می‌گردند و حتی عهده دار مسئولیتهایی در ارکانهای مملکتی می‌باشند، ملت ما نمی‌تواند نگران سرنوشت خود و میهن عزیزش نباشد.

افشا و مجازات این عاملین در خط مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان است. چرا که اینانند که تکیه‌گاه و پابنده داخلی امپریالیسم آمریکا در ایران میباشند و آمریکا را جهانخواه کمک این عوامل و عواملی نظیر اینهاست که دست به توطئه‌هایی بخاطر منافع خود و بر علیه مردم عزیز میهن ما میزنند.

ما خواهان افشاء و مجازات تمامی دست‌اندرکاران و طراحان فاجعه بزرگ سینما رکس آبادان در هر پست و لبای می‌باشیم.

جاوید با دخا طره شهدای سینما رکس آبادان

و

تمامی شهدای به خون خفته حلی

با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان متحصن

در اداره، دارای

بقیه از صفحه ۱ مصاحبه...

فاجعه سینما رکس انجام داده اند:

با تسلیم از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در آبادان

برای روشنتر شدن اذهان عمومی و پی بردن به عمق فاجعه دردناک سینما رکس و همچنین اقدامات، برخوردها و اتفاقاتی که طی مدت تحمن برای تان اتفاق افتاده و مدارک و اسنادی که کشف کرده و در اختیار دارید از سخن گوی با زمانندگان شهدای فاجعه سینما رکس، متحمن در ادامه دارایی (خواهش میکنیم) در این رابطه به چند سؤال جواب بدهند:

س- از تحمن شما چند روز میگذرد؟

ج- ۸۸ روز

س- طی این مدت در رابطه با فاجعه، شما چه مدارکی را کشف و ارائه کرده اید؟

ج- (مدارک و شواهدی) را که در این رابطه بدست آورده ایم طی افشاگریهایی که داشتیم از همین محل به اطلاع جمع کثیری از مردم که جهت شنیدن افشاگریها اجتماع می کردند، رسانده ایم. فکرمی کنیم مردم نوار آنرا داشته باشند.

س- عکس العمل مسئولین در آبادان در رابطه با مدارک مطروحه چه بود؟

ج- تنها سکوت و توطئه.

س- برخورد هیئت حاکمه فعلی در رابطه با فاجعه تا کنون چه بوده است؟

ج- بی تفاوتی و سکوت.

س- به نظر شما چرا هیئت حاکمه بعد از ۱۶ ماه که از قیام خونین خلقهای میهنمان میگذرد و بخصوص بعد از قریب ۳ ماه از تحمن شما گامی در جهت افشای پرونده برداشته است؟

ج- دقیقا بیدیه این خاطر باشد که عناصری در هیئت حاکمه هستند که دستشان به این جنایت آلوده است.

س- سیمپاشیها و تبلیغات زهرآکنینی از طریق ارگانهای محلی دولتی درباره تحمن شما به عمل آمده است به نظر شما چرا هیئت حاکمه که خود را به تودهها بظاهر صدا مپریالیست معرفی می کنند از افشای پرونده هراس دارند، مگر افشای عاملین فاجعه گامی در جهت افشای مپریالیسم نیست و مگر نه اینکه عاملین اصلی خود عمال آمریکا هستند؟

ج- دقیقا همین طور است چنانکه همیشه گفتیم حرکت ما جدا از مبارزه صدا مپریالیستی نیست و نمی تواند

باشد و هیئت حاکمه از این وحشت دارد.

س- آیا ارگانهای محلی مسئول علاوه بر عدم افشای پرونده، اقدامات دیگری در جهت تضعیف تحمن شما نموده اند و اگر چنین است به چه طریق؟

ج- آنها کوشیده اند مردم را علیه ما تحریک کنند و با در اختیار داشتن تمام وسایل ارتباط جمعی سعی کرده اند بر چسب‌هایی از قبیل: "اینها با زماننده نیستند"، "اینها ساواکی هستند"، "اینها از رژیم گذشته هستند" و غیره، به ما بزنند و تا آنجا که توان نشان بوده می خواسته اند این تحمن را وابسته به گروهها و سازمانهای سیاسی، حتی وابسته به رژیم گذشته جلوه دهند.

س- چند روز پیش دکتر بهشتی در مصاحبه تلویزیونی



گفتند که تا یک هفته دیگر به پرونده سینما رکس رسیدگی می شود آیا از زمان آن مصاحبه تا کنون گامی در جهت افشای پرونده برداشته شده؟

ج- در این ۱۷ ماه از این قول و وعده‌ها زیاد داده اند تنها بهشتی نبوده، امثال بهشتی‌ها مرتب قول میدادند، ولی عمل هیچ.

س- در طی این ۳ ماه که شما متحمن هستید آیا از طرف مردم آبادان از خواسته‌های شما اعلام پشتیبانی شده اگر شده به چه طریق؟

ج- پشتیبانی شده، اما آنطور که انتظار می رفت نه، پشتیبانی فقط در حرف و صحبت، ما از مردم عمل می‌خواهیم، می‌خواهیم که از دولت بخوانند که اقدام کند مثلا با زاریها با تعطیل مغازه‌ها و آنها که کار میکنند از دولت بخوانند که به خواسته‌های با زمانندگان

رسیدگی شود و بگویند و بگویند، برای حمایت از ما دست به کارهایی می زنند. بطور نمونه به یک اعتصاب هشت ساعته دست بزنند و...

س - با توجه به گفته های شما هیئت حاکمه تا کنون نشان داده که نمی تواند می خواهد به خواسته های انقلابی توده ها و مشخصا خواسته شما که افشای پرونده می باشد، جواب دهد با توجه به این مسئله اقدام نهایی شما در این رابطه چه می تواند باشد؟

ج - ما تا جواب قطعی نگیریم یعنی فاجعه افشا نشود به تحصن خود ادامه می دهیم و انتظار ما این است که توده ها به ما بپیوندند و خواسته هایمان را از دولت بخواهند. همانطور که در رژیم گذشته می گفتند: "فاجعه سینما رکس افشا باید گردد." الان هم این شعار را دوباره تکرار کنند. طی این ۱۷ ماهی که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد بیشترین بهانه ای که هیئت حاکمه در رابطه با پرونده عنوان کرده است نبودن با زیرس است آنها مرتبا گفته اند با زیرس نداریم. ما این او خرابه ای به استاد عالی تهرانی نوشتیم. ایشان اعلام کردند که "حاضر رسیدگی به پرونده را عهده دار شوم و از طرف امام در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۵۸ نیز منصب قضاوت شرعی در تمام شهرستانهای استان خوزستان به من داده شده است." ما نامه ای به امام و ارگانهای مملکتی نوشتیم ولی متاسفانه رئیس جمهور تا کنون جواب نداده. دومین تلگراف را هم فرستادیم با هم رئیس جمهور و ارگانهای مسئول سکوت کرده اند تا سی تلفنی با استاد تهرانی گرفتیم ایشان گفتند که "من طبق معمول آماده هستم و فقط منتظر حکمی هستم که امام یا آقای بنی صدر به من بدهند آماده هستم تا هر لحظه که مرا بخواهند به آبادان بیایم و رسیدگی به پرونده را شروع کنم." اینکارها را ما انجام داده ایم ولی تا کنون هیچیک نه امام و نه آقای رئیس جمهور حکمی به علی تهرانی نداده اند و آقای تهرانی منتظر است که حکم را تحویل بگیرد تا به پرونده رسیدگی نماید.

بعد از ما حبه با سخنگوی با زماندگان، تعدادی از با زماندگان متحصن در اداره دارایی نیز گفتگویی انجام شده که در زیر می آید:

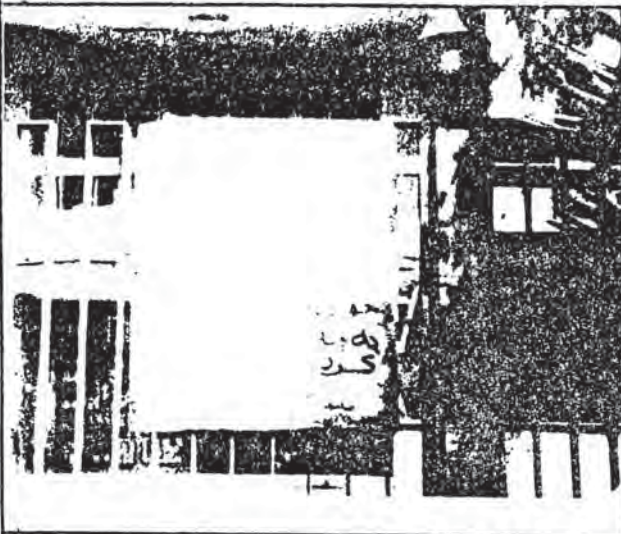
س - پدر ضمن عرض تسلیت، شما چند نفر از خانواده تان را از دست داده اید؟

ج - بسم الله الرحمن الرحیم، بنا خدا و به یادش

سینما رکس آبادان، من پدری داغ دیده ام، جوان ۲۱ ساله ام را از دست داده ام. ما از دولت، از مسئولین مملکت، از امام و رئیس جمهور با رها خواسته ایم که به کارهای ما رسیدگی کنند ۸۸ روز است که متحصن هستیم خواهسته های ما اینست که هیئت ویژه با زیرسی برای رسیدگی به پرونده سینما رکس بیاید و دادگاه علنی تشکیل دهند و دست اندرکاران این فاجعه را دستگیر کنند. خواهسته های ما همین است.

س - آیا هیئت حاکمه منظورم دولت و شورای انقلاب تا کون قدمی در جهت خواهسته های شما برداشته و اگر برداشته چه طریق و اگر برداشته چرا؟

ج - قدمی که برداشته هیچ بر علیه ما تحریک هم متود. هر روز شعار میدهند که شما با زمانده نیستید و



یا که شما فلان و با بهمان هستید. س - این تبلیغات از طرف چه کسانی انجام میشود؟ ج - از طرف یک گروه بخصوصی. یکی دیگر از افراد متحصن میگوید:

بنا خدا و به یادش فاجعه سینما رکس آبادان من یک مادر داغ دیده هستم دوتا از فرزندان و عروس مرا از دست داده ام. الان دو سال است که قیام کرده ایم، هرکاری که فکر می کردیم درست است بچه هایمان انجام داده اند. دوندگی زیاد کردیم، پیشا ما رفتیم خودم شخصا دستا ما را بوسیدم به او گفتم: "ما من از تو هیچی نمی خواهم فقط قاتل بچه هایمان را دستگیر کن مثل اینست که تمام دنیا را به ما داده ای" اما مقول دادولی الان ۳ ماه است تحصن کرده ایم. هر برجی

نمی‌رویم تحصن مان زانمی شکنیم تا قاتلین بچه‌ها -
 یمان را پیدا کنند من مادر هستم. بجای همه مادران
 داغ دیده صحبت میکنم. ما بیشتر از ۱۰۰۰ نفر از دست
 داده ایم، اینها سوخته اند اینها جزغاله شده اند. چرا
 دولت به حال ما رسیدگی نمی کند. اگر ریگی در کفش
 ندار دبا پد رسیدگی کند ما اینجا می نشینیم تا دولت
 جواب ما را بدهد، از اینجا بیرون نمی رویم.

س- مادر به نظر شما دولت بعد از ۱۶ ماه که از قیام
 میگذرد و بعد از ۳ ماه از تحصن شما آیا دمی تواند بیه
 خواست انقلابی شما جواب دهد؟

ج- خیر، ما به همه جا بلکراف کردیم، به بنی صدر به



سرای از احداث بطوری سوخته است که قسمت بیشتر آنجا را سر رفته، بطور صحنه سالانگی گورستان امداد را نشان داده بود

آقا، خودمان سخما پیش آقا رفسیم. خودم دوبار دست آقا را
 بوسیدم ۲۵۰ نفر بودیم تولد حضرت رضا بود. همه ما دست
 آقا را بوسیدیم، گفتیم ما قاتلین بچه‌ها یمان را می-
 خواهیم گفت خوب بروید تا سه مرتبه گفتیم، گفت بروید
 که رسیدگی می کنیم. به قدوسی می گویم که به پرونده
 - تا ن رسیدگی کند. تا حالا که نکرده اند. ما تا الان
 چقدر تلکراف زده ایم، به دولت به شورای انقلاب، به
 همه جا، جواب ما را نداده اند.

با زمانده دیگری گفت: روی سخنم با همشهریان
 عزیزم می باشد. آیا از خودتان سؤال کرده اید بعد از
 ۱۷ ماه که از پیروزی انقلاب و ۸۸ روز از تحصن ما می-
 گذرد چه راحت شما را تحریک می کنند حتی در هشتاد و
 چهارمین روز تحصن عده‌ای از پدران و مادران را رو-

به ما زده اند. مگر ما از این دولت چه می خواهیم، مگر
 خواسته ما چه است. ما مادران، پدران، خواهران
 خواستهای نداریم جز دستگیری قاتلان. آخر برای چه
 مگر ما چه گناهی کرده ایم که هر تهمتی به ما میزنند، به
 حال ما رسیدگی نمی کنند فقط قول میدهند. از این
 قولها زیاد داده اند، مثلاً می گویند تا ۱۰ روز دیگر
 درست می شود، پرونده سینما افشا می شود، پس کی دیگه
 افشا می شود.

س- به نظر شما چرا افشا نمی کنند؟

ج- من چه می دانم، لابد دست خودشان داخل آن است.
 الان چند ماه است ما رفتیم پیش اما من خودم دست
 اما مرا گرفتیم بوسیدم گفتیم ما من از نوهیچی
 نمی خواهم جز قاتل بچه‌ها مون آخر برای چه ما
 بر حسب می زنند، مگر چیزی از کسی خواستیم چیزی از
 دولت خواستیم که غیر قانونی است اگر غیر قانونی
 است بگویند ما را مجازات کنند.

یکی از مادران شهدا ضمن اینکه به سختی قادر
 بود جلوی گریه اش را بگیرد چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما
 رکس، من یک پیرزن، سید، ۷۵ سال از عمرم رفته یک
 برداشتم از دستم رفت. جوانی که ۲۴ ساله بود و صبح
 فردای فاجعه را و کمرا ز نیم کیلو ذغال بدستم آمد.
 غیر از قاتل بچه‌ها مدیگر هیچی نمی خواهم. قاتل بچه-
 ام اینجا باید محاکمه شود در دادگاه علنی محاکمه شود.
 مادر دیگری گفت:

من نمی گویم در این مدت سه ماه آمده اند سنگ -
 با را سمان کرده اند یا نکرده اند اینها بماند همه می -
 فهمند که چه کرده اند. اما ما قاتلین بچه‌ها یمان را می
 - خواهیم تا ندهند از اینجا رد نمی شویم. این
 خواسته ما است.

یکی دیگر از متحصنین:

بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما
 رکس، من یک مادر داغ دیده هستم. بچه‌ها مرا ۱۰ سال به
 بینمی بزرگ کردم. سه ماه است در اینجا محصن هستم
 چرا به حال ما رسیدگی نمی کنند بیه همه جا رسیدگی
 کردند مسجد کرمان، میدان ژاله، فاجعه هواپیما آنها
 تحصن کردند بیه خواسته‌شان جواب دادند، چرا به ما
 نمی رسند مگر ما کافر هستیم، چرا آقا در پارسی می گفت
 سینما رکس ما در انقلاب است. اما حالا فراموش شده؟
 ما تا به خواسته‌ها یمان نرسیم زاده‌ها را بی بیرون

که ۲۴ ساله بود، اول از خدادوم از ملت می خواهم که خواسته های ما را برآورده کنند ۳۰ ماه روزگار است نشسته ام اینجا یک قدم بیرون نرفته ام بجز دو دفعه که رفتم سرقبر شهیدان همه جمع شده بودیم عده ای میگفتند "شما شهید ندارید"، "شهیدهای شما شهید نیستند"، "شهیدهای شما کمونیست هستند" این حرفها را به ما می زنند.

درست نمی دانم در چه تاریخی بود که به ما حمله کردند، همه دویدیم وسط خیابان پاهای همگی میان ناول زد جوانها همه پاهایمان تا و ل زد، پاهایمان را دوازدهند، تمام عکسها و پوسترها را با چاقو پاره کردند من هیچکس را ندارم جز این عزیزم که سوخته و خود هم ندیدمش.

ضمن عرض تسلیت مجدد به همه شما از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آبادان از همه شما تشکرمی کنیم که این اجازت را به ما دادید که چند دقیقه ای پای صحبت شما بنشینیم تا بتوانیم بهتر خواسته های شما را که خواسته های همه مردم مبارز آبادان است به گوش هموطنان برسانیم

من امیدوارم که مردم مبارز آبادان در راه اهداف و خواسته های انقلابی شما به کمکمان بشانند و ما را یاری دهند و این اطمینان را بنمایند که ما زمان ما کام به کام مدبرانه و تحقق اهداف شما و کلیه رزمندگان و ستمدیدگان خلق قدم بردارد. خلی مسکرم

به روی دارایی آورده بودند می گفتند: تحصن تحصن کارمنافقین است "چرانمی پرسید دولت بعد از ۸۴ روز جرا جواب اینها را نداده. این سوال برایتان پیش نیامده که چرا هر مسئول یا عاقلی به آبادان می آید فقط قول میدهد، ۱۷ ماهه ما به ما قول دادند کمی فکر کنید ۸۸ روز از تحصن و ۱۷ ماهه از عمر جمهوری - اسلامی می گذرد. چرا دولت سکوت کرده، چرا فقط قول میدهند ولی عمل هیچ. از پیش از ۱۵۰۰ شهید تنها چند دغال شده ۳۵۰۰ تنی آنها بدست آمد. به ما می گویند: "ما آمریکایی هستیم"، "تحصن دارایی بر طبقه آمریکا". ما داریم آمریکا را انصافی کنیم پس چگونه می شود تحصن دارایی بوطیله آمریکا باشد. خطبهور ممکن است ما وابسته به رژیم گذشته باشیم "استفراغ رژیم گذشته" یا شیم (عبارتی است که آذری قمی می گوید) که ما عده ای برای بهم زدن تحصن ما آمده بود گفته است (وزیرم گذشته سینما رکس را به آتش کشیده باشد. ما می گوئیم جای سینما رکس کارگر رکس هست یا ندانم). مگر قبل از قیام همه نمیگفتند فاجعه سینما انسا یا نکردند، چرا بعد از پیروزی کرد فراموشی روی آن پاسیده ما به تحصن خودنا برپایی یک دادگاه علنی توسط پارلیس ویژه ادامه خواهیم داد.

مادری گفت: بسم الله الرحمن الرحیم. سلام خدا خواسته های ما این است که فانیس این عزیزها را بگیرند و دستمان بدهند. آرزویم یک بجای ما بود

